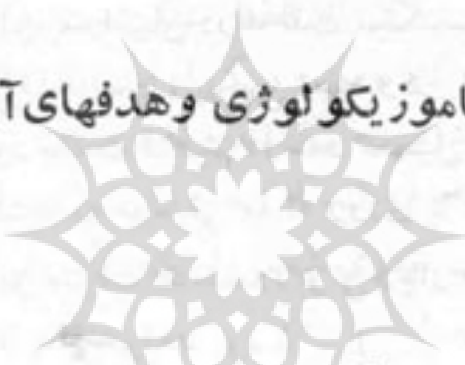


باموزیکولوژی وهدفهای آن آشنا شویم (۴)



« موزیکولوژی تطبیقی »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موزیکولوژی تطبیقی یکی از رشته‌های بزرگ موزیکولوژی است و جای آن دارد که آنرا تا آنجا که امکان داشته باشد تشریح و تعریف کنیم. در اوایل قرن اخیر نام موزیکولوژی تطبیقی توسط هورن بوستل و کارل شتومپف در آلمان به علمی اطلاق شد که نه فقط یکی از متدهای مهم موزیکولوژی بشمار میرفت بلکه پایه و اصول اتنوموزیکولوژی نیز، گردید. موزیکولوژی تطبیقی مسلماً سابقه قدیمی تری دارد یعنی تساریخچه آن به اواخر قرن گذشته میرسد.

۱ - در شماره های آینده تاریخچه موزیکولوژی تطبیقی را جهت اطلاع خوانندگان عزیز خواهیم نوشت .

درباره وجه تسمیه موزیکولوژی تطبیقی اختلاف نظرهای زیادی موجود است. از جمله برخی معتقدند که این رشته، جدا از موزیکولوژی نبوده بلکه جزئی از تحقیقات کلی آن میباشد و وسعت آنهم در چهار دیواری اتنوموزیکولوژی قرار دارد.

عده‌ای هم این دورشته (یعنی موزیکولوژی تطبیقی و اتنوموزیکولوژی) را باهم مخلوط کرده و وجه تمایز صحیحی برای هیچکدام قائل نشده‌اند. نکته جالب در اینجاست که کسانی که سعی دارند این دورشته را درهم آمیخته و بمناسباتی ندانسته یکی را بردیگری مقدم بدانند بطور حتم آنطور که شاید و باید بمفهوم صحیح هیچکدام از این دورشته پی نبرده‌اند. ما در اینجا بهیچ وجه قصد نداریم که وارد نظریات فوق منکرار تباط دورشته فوق‌الذکر باهمدیگر گشته و یا اینکه مثلاً موزیکولوژی تطبیقی را یکی از متدها یا سیستم‌های موزیکولوژی ندانیم؛ بلکه منظور ما از پیش کشیدن نظریات مختلف اینست که بتوانیم هر چه بهتر و عمیقتر این دورشته را بررسی کرده و تا اندازه‌ای سوء تفاهمات و عدم درک صحیح مفهوم هر یک از آنها را برطرف نمائیم.

موزیکولوژی تطبیقی بر اثر احتیاج موزیکولوگ‌ها بمنظور پیشرفت این فن که بمقدار زیادی به بن بست برخوردیده بود، بوجود آمد. موزیکولوژی تاریخی تا آنجا که توانسته بود در تحقیقات تاریخی و فلسفی هنر و هنرمندان شرکت کرده و الحق کار خود را به بهترین وجهی صورت داده بود ولی همیشه بیم آن میرفت که این علم بمرور اعتبار خود را از دست بدهد و یا شعبه کوچکی از تاریخ کلی هنر گردد؛ زیرا موزیکولوژی تاریخی همانطور که در شماره‌های گذشته از آن تعریف کردیم، دامنه فعالیتش از حدود اروپا تجاوز نمی‌کرد.

بحران علمی موزیکولوژی باعث شد که علماء در صدد نجات آن برآمدند و با وسعت دادن بآن نیروی جدیدی در پیکرش دمیدند.

اولین کسیکه میتواند او را پایه گذار اصلی موزیکولوژی تطبیقی دانست دانشمند مشهوری بنام « الکساندر. ژ. الیس »^۱ بود که در سال

۱۸۸۵ کتابی منتشر کرد و در آن گامهای موسیقی و سازهای بسیاری از ملل مختلف غیر اروپائی را از لحاظ فیزیکی و غیره مورد بحث قرار داد. (در شماره های بعد در این باره بحث بیشتری خواهد شد.)

بزودی دانشمندان و « موزیکولوگ » های مشهور از « ایس » سرمشق گرفته و موسیقی ملل مختلف را باروش های مختلف مورد بررسی قرار دادند و بدینوسیله دایره کاوش موزیکولوژی را که تا آن زمان منحصر به اروپا و مغرب زمین بود، گسترش دادند.

ایجاد همکاری بین اتنولوژی و موزیکولوژی

موزیکولوژی تطبیقی بطور کلی شامل رشته تحقیقاتی بود که بخصوص در اوائل قرن اخیر در مورد موسیقی و گامهای غیر اروپائی انجام میشد و مرکز اصلی آنهم شهر برلین بود. (به مقاله هورن بوستل در شماره گذشته مجله موسیقی رجوع شود) ، ولی از آنجائیکه این روش یعنی متد تطبیقی بتنهائی قادر بجمع آوری اطلاعات کافی از موسیقی و هنر ملل مختلف نبود از اینجهت مجبور گردید که برای ادامه کار خود دست بدامان علوم دیگر بزند.

نزدیکی موزیکولوژی تطبیقی به اتنوموزیکولوژی از روی اجبار و احتیاج صورت گرفت و از آنجا که محققین موسیقی احتیاج مبرمی بدرك آداب و رسوم و طرز تفکر و وابستگی های اجتماعی ملل داشتند ، خود را ناگزیر از آن دیدند که اتنولوژی را بگمناک بطلبند.

اطلاعات فوق الذکر قبل از این تاریخ یعنی پیش از پیدایش مکتب تطبیقی منحصرأ در اختیار « اتنولوگ » های حرفه ای قرار داشت. بعد از اینکه موزیکولوژی تطبیقی رونقی گرفت احتیاج به اطلاعات مربوط به ملل فزونی یافت و موزیکولوگ ها علاوه بر اینکه ماده اولیه کار خود یعنی موسیقی را از آنها دریافت میکردند مجبور بودند برای تکمیل تحقیقات خویش اطلاعات لازم دیگری مربوط بآداب و رسوم قبائل واقوامیکه روی موسیقی آنها کار میشد، از همان « اتنولوگ » ها دریافت کنند.

این سیستم همکاری بمرور زمان بچند اشکال اساسی برخورد کرد که بطریق زیر میتوان آنرا خلاصه نمود :

الف : آهنگهای جمع آوری شده بوسیله « اتنولوگ » های حرفه ای

بیشتر بنا به مقتضیات کار خود آنان انجام میگرفت و اکثراً بدون اینکه راجع
بآنها مطالعه کافی نموده و دراصیل بودن آنها دقت بعمل آورند، ضبط میشد.
ب: ازهر آهنگ فقط يك نمونه ضبط می شد و این شبیه همیشه موجود
بود که ممکن است تصادف یا عوامل دیگری در آن دخالت کند، یعنی مثلاً
مترادف آهنگی که در محلی ضبط شده بود در ناحیه یا قبیلۀ دیگری نیز پیدا
شود؛ گویا اینکه محل یا قبیلۀ دومی هیچگونه ارتباطی از لحاظ اصول اجتماعی
و فکری با محل اولیه نداشت.

ج: آهنگهای جمع آوری شده توسط «اتنولوگ»ها يك عیب بزرگ
تری هم داشت و آن این بود که در جمع آوری آنان بهیچوجه سلسله مراتب
تحول و سیر آنها بررسی نشده و ریشه های آنها آنطور که باید و شاید
مورد مطالعه قرار نگرفته بود. در نتیجه مطالعات موزیکولوگ ها روی
این قبیل آهنگها بسیار محدود بود و تحقیقات آنان منحصر به محلی بود که
آهنگها از آنجا جمع آوری شده بود.

با این وصف موزیکولوگ ها ناچار بر آن شدند که خود دست بکار
شده و موسیقی را بنا به احتیاجات کار خود جمع آوری نمایند.
از این زمان بود که اتنولوژی بهرور از انحصار اتنولوگ ها درآمد
و قسمت مهمی از آن به موزیکولوگ ها مربوط شد.

این دو سیستم مختلف تحقیقی یعنی موزیکولوژی و اتنولوژی کم کم
بيك واحد تبدیل گردید و با همکاری یکدیگر رشته علوم تحقیقی عظیمی را
بوجود آوردند که امروزه بنام «اتنوموزیکولوژی» خوانده می شود.

اتنوموزیکولوژی

در شماره های گذشته در باره اتنوموزیکولوژی و روش کار آن باختصار
بحث شد با وجود این در اینجا تذکر مختصر دیگری هم راجع بآن داده
می شود.

از وظائف اصلی اتنوموزیکولوژی تحقیق و تفحص در آداب و رسوم
ملل مختلف میباشد. درك شئون زندگانی این ملل برای فهم موسیقی آنان
امری ضروری است و يك موزیکولوگ احتیاج مبرمی به آن دارد.

در اینجا این سؤال پیش می آید که درك موسیقی يك ملت چه معنی دارد
و حدود آن تا چه اندازه است؟

شناخت موسیقی يك قوم عبارتست از كوشش در شناسائی روحیات و افكار و اعتقادات آنان از نقطه نظر اتنولوژی و « سوسیولوژی » و حدود آنها از شناسائی كامل آن قوم تجاوز نمیکنند.

ولی اگر این شناخت موسیقی را همانطور که در بالا ذکر گردید با شناسائی كامل ملت یا قومی به کمال برسانیم آیا به تمام معنی يك کار موزیکولوژی انجام داده ایم؟

جواب این سؤال نمی تواند كاملاً مثبت باشد زیرا منبع قدرت و ماده اصلی و بالاخره دلیل موجودیت موزیکولوژی در درجه اول « موسیقی » است و هیچ عامل و عنصر یا علم دیگری نمیتواند جای آنرا اشغال نماید.

باین جهت برای اینکه به بن بست بر نخورده و ثابت کنیم که مفهوم موزیکولوژی را درك نموده ایم ناگزیر از آن هستیم که از متدها و طرق موزیکولوژی تطبیقی استمداد جوئیم و باصل موضوع یعنی تجزیه و تحلیل موسیقی پرداخته ، آنرا از نقطه نظر يك « هنر » بررسی نماییم .

بدین ترتیب فرق اتنولوژی با موزیکولوژی تطبیقی تا اندازه ای روشن شده و وظائف آنان از یکدیگر تفکیک میگردد . در ضمن ثابت می شود که لغت اتنوموزیکولوژی خود بخود نمیتواند بمفهوم اصلی کلمه باشد و بهیچ وجه نمیتوان از آن بعنوان تکامل موزیکولوژی تطبیقی که خودروشی از تحقیقات موزیکولوژی میباشد ، یاد کرد .

بطور خلاصه می توان گفت که اتنولوژی عاملی است که صرفاً برای پیشرفت کار تحقیقی وارد موزیکولوژی گردیده است ، از اینرو اگر ما اتنوموزیکولوژی را بدون مطالعه بر موزیکولوژی و موزیکولوژی تطبیقی رجحان داده و بدین وسیله موزیکولوژی تطبیقی را بی ارزش کنیم ، مسلمانراه غلطی را طی کرده ایم و این بهترین دلیلی است که مفهوم کلی و همه جانبه موزیکولوژی را می نمایاند .

دکتر خاچی